

درس‌هایی از فاطمه علیهاالسلام



فاطمه علیهاالسلام آن بانوی بزرگ ما شهید شد و نه تنها شیعیان جهان، بلکه همه دوستان و آزادمندان را عزادار ساخت. او زنی در خور احترام و بانویی نمونه و بی‌مانند در جهان بشریت بود. عمری کوتاه داشت، ولی از همه ساعات و ایام آن در راه بندگی خدا، و نجات انسان‌ها از قیود و انحرافات استفاده کرد.

اینک مائیم و خاطرات فاطمه (علیهاالسلام)، مائیم و روح جهان و تلاش قرآنی فاطمه (علیهاالسلام) که برای زنده داشتن آن خاطرات، سالانه هزاران مجلس و عظ سخنرانی برپا می‌سازیم و به یاد عظمت و بزرگواری‌های او احساس غرور می‌کنیم و جهت رنج‌ها و مصیبت‌های وارده بر او اشک‌ها می‌ریزیم و یا او را وسیله گرانقدری در پیشگاه خدا قرار داده و به عرض حاجت می‌نشینیم.

فاطمه علیهاالسلام امروز در میان ما نیست ولی خاطره ناله‌های دردمندانه‌اش که به خاطر نجات امت و اصلاح شوؤن آنها بر می‌آمد هنوز در گوش‌ها طنین‌انداز است. و شهادت مظلومانه‌اش حاکی از مقاومت و خطابه جانانه‌اش پرچمی افروخته بر قلب تاریخ برای اعلام حق و قبر پنهانش اعلام نوعی ناامنی پدید آمده از غاصبان حق.

این تلاش‌ها و برنامه‌ها خوب و ارزنده‌اند ولی جهت‌دهنده به سوی مقصود نیستند و نقش سازندگی و تحول‌انگیزی آنها اندک است. فاطمه علیهاالسلام برای این، تلاش نکرد که به او احسنت و مرجبا بگوئیم و بدان خاطر به شهادت نرسید که اشک ما را بدرقه راه کند و یا مجالس عزای او صرفاً برای عزاداری و توبه نیست که مقصدی فوق آن مطرح است.

بهترین توسل

بهترین توسل برای نجات از مشکلات و همّ و غمّی که در سر راه ماست توسل به راه و رسم حیات فاطمه علیهاالسلام است. فاطمه علیهاالسلام قافله سالار زنان جهان و مایه افتخار دنیای اسلام است. زندگی او بر

اساس ایمان و اعتقاد و باور راستین است. عرضه کننده بهترین ایده‌ها و سنت‌هاست و راه او، راه نجات است. و از رمز پیروزی‌ها و انحطاطها در پیروی یا عدم تبعیت از راه و رسم اوست.



گریه بر فاطمه علیهاالسلام باید گریه معرفت باشد و گریه ندامت از این که من گنهکارم چرا که می‌توانستم پاک و سالم باشم. چرا گنه کرده‌ام؛ و گریه حسرت که چرا از کاروان فاطمه (علیهاالسلام) عقب افتاده‌ام. و در پس این گریه تصمیم‌گیری بر این امر که دیگر به راه خطا نروم، و حق خدا و خلق را که بر ذمه دارم ادا کنم.

راه فاطمه (علیهاالسلام) تنها راه دیروز نبوده و نیست که راه امروز است و هر روز. و تنها راه. شریعت خاص و آئینی ویژه نیست که راه فطرت است و بدین سان در همه جای جهان قابل اجرا و عملی است. اگر ما راه فاطمه (علیهاالسلام) را راه اسلام می‌خوانیم بدان خاطر است که در باور ما اسلام، آئین فطرت است. تعالیم آن با زمینه‌های فطری سازگار است و فاطمه (علیهاالسلام) آنچه را که دارد از عطایای الهی است که در سایه تطابق خود با اندیشه‌های اسلامی آن را به دست آورده است.

هم او سند مظلومیت است، سند حق‌طلبی است. کبودی بدنش خط روشنی بر سیه روزی خصم است و ورم بازویش نشانه بدستیزی دشمن برای کوتاه کردن دست او از دامن حق و این خود یک سند است. اثر ضربه‌های تازیانه بر بدن، خطوط کبودی در آن پدید آوردند که هر کدام خطوط روشنی است بر بی‌منطقی دشمن.

ذکر یک هشدار بجاست که گمان نرود نجات‌بخشی انسان تنها در سایه گریه بر فاطمه علیهاالسلام حاصل است و یا با گریه‌ی تنها، می‌توان آلودگی‌ها را از خود زدود. گریه عاطفی و ناشی از دلسوزی‌ها و به خاطر تصویر مصائب جانکاه و دردهای انسانی ستم‌دیده نمی‌تواند گرهی از مشکل بگشاید و عامل نجات گردد که اگر چنین بود عمر سعد نجات یافته است. زیرا در عصر عاشورا از دیدن مصائب بازماندگان حسین دلش به رقت آمد و سوخت و قطرات اشک هم نثار کرد.

گریه بر فاطمه علیهاالسلام باید گریه معرفت باشد و گریه ندامت از این که من گنهکارم چرا که می‌توانستم پاک و سالم باشم. چرا گنه کرده‌ام؛ و گریه حسرت که چرا از کاروان فاطمه (علیهاالسلام) عقب افتاده‌ام. و در پس این گریه تصمیم‌گیری بر این امر که دیگر به راه خطا نروم، و حق خدا و خلق را که بر ذمه دارم ادا کنم. و سختگیری بر خود از طریق عبادتی چون عبادت فاطمه (علیهاالسلام)، که لذت گناه را فراموش کنم و حتی گوشت روئیده از گناه را ذوب نمایم و حال و عملم خلاف آن باشد که بوده است.



یاد فاطمه علیها السلام

فاطمه (علیها السلام) را باید همیشه به یاد داشت و یاد او باید یاد عشق در ایمان باشد و یاد عاطفه و احساس توام با تعقل او در خور یاد کردن و ذکر است؛ بدان خاطر که تصویر آزادگی او به ما درس آزادی می‌دهد، خاطره حق‌طلبیش به ما درس وظیفه و جرئت و شهامت می‌دهد و یا مبارزه‌اش در ما روح مبارزات حق‌طلبانه را احیاء می‌کند.

او با عمل درس داد، درس توّلا و تبّرا، درس هم‌رزمی با همسر در تعقیب هدف مشترک، درس صفا و اخلاص در کارها، درس انجام وظیفه هدایت برای زنان، درس کمک‌کاری برای مردم، درس زیر بازوگیری، درس بیان حق، درس از خود گذشتگی و ایثار، درس ثبات قدم در برابر متجاوزان و غاصبان، درس حجاب و پوشش، درس پرچم‌افرازی و گاهی پرچم ساختن مظلومیت، حتی پنهان کردن جنازه و قبر خود برای هشیار کردن.

ما با یاد فاطمه علیها السلام و موضع‌گیری‌هایش باید این درس را داشته باشیم که به موضع‌گیری اندیشه در شرایط گوناگون و متفاوت زندگی دست یابیم و در هر مساله و مشکل از خود سوال کنیم اگر فاطمه (علیها السلام) با این مشکل مواجه می‌شد چه می‌کرد؟ و هم با مطالعه تاریخ زندگیش از او و از راه و روش او الهام می‌گیریم و طریق خود را روشن و هموار کرده و به پیش رویم.

او ولیّ خدا بود دارای ایمان و عصمت، علی (علیه السلام) او را یکی از دو رکن جهان اسلام معرفی کرد که رکن اول آن شخص پیامبر بود. و آن روز که فاطمه (علیها السلام) از دنیا رفت علی (علیه السلام) با تأثر و اندوه فرموده بود این همان رکن دومی بود که از دست رفت (هذا رکن الاخر) و چنانچه پیامبر اکرم در مورد فاطمه علیها السلام فرموده بود: هذا احد الرکنین (۱) و آدمی برای استواری نیایش، ناگزیر به ستون و رکنی نیاز دارد. هر قدر آن رکن مهم‌تر و سنگین‌تر، استحکام بنا و اعتماد ما بدان بیشتر و زیاده‌تر است و این خود نیز اسوه‌آموزی و الگوپذیری است که آیات قرآن و روایات، ما را بدان توصیه می‌کنند.

درس آموزی از فاطمه علیها السلام

برای فاطمه علیها السلام رمز و رازی الهی و مقصدی لاهوتی، معرفی کرده‌اند و در خور اسوه بودن برای بشریت. اسناد و روایات ما نشان می‌دهند او ولی خداست، معصومه و محصوره از گناه است، آزاده است و آزاد از قیود بشر ساخته، دارای تقوایی بی‌نظیر و ادبی کم‌نظیرتر در دنیای زنان. دارای رقت قلب، ایمان آمیخته با ارکان وجودی، صبر و مقاومت در امور، حلم و متانت در کارها، علو روح، دارای سرعت در ادراک و

تعقل جهت‌دار که به سوی بی‌نهایت است، دارای شجاعت گرفته از ایمان، تنها و تنها در جهان بشریت و نمونه عالی حبّ خدا و اسوه در پرستش و نیایش، شرافت و جدال و برگزیده خدا و ...



فاطمه علیهاالسلام جان داد ولی آبرومندانه، زندگی کرد ولی مدبرانه، مبارزه کرد ولی اندیشمندانه، تسلیم نشد حتی در بستر مرگ، رای خود را عوض نکرد حتی به بهای جان، دست از دفاع از مقام ولایت علی (علیه‌السلام) برنداشت حتی به بهای سقط فرزند، و از دامن علی (علیه‌السلام) دست نکشید مگر به ضربه تازیانه، و وقتی که بیهوش شد. و اینها همه درس است برای آن کس که حسرت جلال و شکوه فاطمه علیهاالسلام را در دل دارد.

و بدین سان همه عملکردها، مواضع، حالات و حرکاتش درس است. زندگی او خود یک راه است و راه اسلام، مسلمانی و راه فطرت با درس‌آموزی از فاطمه علیهاالسلام است که می‌توانیم دریابیم راه خدا چیست؟ راه ایمان و تقوا کدام است؟ راه حق‌طلبی و مبارزه و تلاش در راه هدف الهی کدام است؟.

فاطمه علیهاالسلام به زنان ما درس می‌دهد، درس زندگی، درس جهاد و مبارزه، درس مرزرداری ایدئولوژی و درس حضور اجتماعی در عین رعایت موازین شرعی و او آموزگار مسلم راهی است که بشریت از ابتدای پیدایش خود تا امروز خواستار و متوقع شناخت آن راه و طی طریق در آن مسیر بوده است .

عبرت‌آموزی از تاریخ

ما در مطالعه حیات فاطمه علیهاالسلام درس‌هایی می‌آموزیم که از یک سو درس عبرت‌اند و از سوی دیگر در خور ثبت در تاریخ برای راه‌آموزی ما. و در ضمن این مطالعه با کسانی آشنا شدیم که برای دستیابی به رتبه و مقام ظاهر و بزرگ و جلال و شکوه فاطمه علیهاالسلام را نادیده گرفته و خواستند از این راه به نوائی برسند ولی خدای آن را برای همیشه‌شان پذیرا نشد.

ولی امروز نه آن دونان صفت حضور دارند و نه فاطمه علیهاالسلام؛ هر دو از جهان رخت بربستند و چه درس عبرتی از این بالاتر که می‌بینیم ظالمان با خرید آن همه ننگ‌ها طرفی نیستند و ظلم و تجاوز و غضب‌شان برای آنها آبرویی نساخت و راه و روش شرم‌انگیزشان راهی و وسیله‌ای برای سعادت‌شان فراهم نکرد.

برخی شکوه فاطمه علیهاالسلام را فراموش کردند، به خاطر نانی، به دریوزگی درآمدن و به خاطر مقامی، با دستگاه ظلم همدست شدند، آزادگی خود، و حتی شرافت خویش را فروختند و مجری فرمان خائنان شدند که در سایه آن فاطمه علیهاالسلام مجروح و زخمی به بستر افتاد و بر اثر همان صدمات جسمش ناتوان شد و از دنیا رفت.



ولی امروز نه آن دونان صفت حضور دارند و نه فاطمه علیهاالسلام؛ هر دو از جهان رخت بر بستند و چه درس عبرتی از این بالاتر که می‌بینیم ظالمان با خرید آن همه ننگ‌ها طرفی نیستند و ظلم و تجاوز و غضب‌شان برای آنها آبرویی نساخت و راه و روش شرم انگیزشان راهی و وسیله‌ای برای سعادت‌شان فراهم نکرد.

برخی شکوه فاطمه علیهاالسلام را فراموش کردند، به خاطر نانی، به دریوزگی درآمدن و به خاطر مقامی، با دستگاه ظلم همدست شدند، آزادگی خود، و حتی شرافت خویش را فروختند و مجری فرمان خائنان شدند که در سایه آن فاطمه علیهاالسلام مجروح و زخمی به بستر افتاد و بر اثر همان صدمات جسمش ناتوان شد و از دنیا رفت.

آنان که در آن روز جز به خود و نیت پست خود نمی‌اندیشیدند اینک در کجایند و فاطمه علیهاالسلام در کجاست؟

آنها که در زیر پوشش‌های تبلیغاتی خود خواستند نور خدا را خاموش کنند آیا به هدف خود رسیدند؟ آیا آنها عزت دارند یا فاطمه علیهاالسلام؟ دیدید که اشک مظلوم چه‌ها کرد؟ و قطرات سرشک صاف و روان چگونه ریشه آنها را قطع کرد؟

فاطمه علیهاالسلام جان داد ولی آبرومندانه، زندگی کرد ولی مدبرانه، مبارزه کرد ولی اندیشمندانه، تسلیم نشد حتی در بستر مرگ، رای خود را عوض نکرد حتی به بهای جان، دست از دفاع از مقام ولایت علی (علیه‌السلام) برنداشت حتی به بهای سقط فرزند، و از دامن علی (علیه‌السلام) دست نکشید مگر به ضربه تازیانه، و وقتی که بیهوش شد. و اینها همه درس است برای آن کس که حسرت جلال و شکوه فاطمه علیهاالسلام را در دل دارد.

فاطمه علیها السلام محور درس‌ها

او محور درس هاست و در حیات شخصی، در عبادت و نیایش در کار و تلاش، در احساس تعهد و در انجام مسؤلیت، در تکلیف نسبت به خود و خدا و جامعه در هدف‌داری و در برنامه‌ریزی، در اعمال روش معین در امور، در نظارت اجتماعی، در امر به معروف و نهی از منکر و در مبارزه و حق‌طلبی.

برای فاطمه علیها السلام رمز و رازی الهی و مقصدی لاهوتی، معرفی کرده‌اند و در خور اسوه بودن برای بشریت. اسناد و روایات ما نشان می‌دهند او ولی خداست، معصومه و محصوره از گناه است، آزاده است و آزاد از قیود بشر ساخته، دارای تقوایی بی‌نظیر و ادبی کم‌نظیرتر در دنیای زنان.



او با عمل درس داد، درس توّلا و تّبرا، درس هم‌رزمی با همسر در تعقیب هدف مشترک، درس صفا و اخلاص در کارها، درس انجام وظیفه هدایت برای زنان، درس کمک‌کاری برای مردم، درس زیر بازوگیری، درس بیان حق، درس از خود گذشتگی و ایثار، درس ثبات قدم در برابر متجاوزان و غاصبان، درس حجاب و پوشش، درس پرچم‌افرازی و گاهی پرچم ساختن مظلومیت، حتی پنهان کردن جنازه و قبر خود برای هشیار کردن.

-او دختری برای پدر است در احترام پدر، رعایت حال او، دفاع از او، مهرورزی به پدر، رعایت شئون او.

-او همسری است برای شوهر، هم‌شان او، کفو او، دوستی با شوهر، هم‌رزمی با او، همگامی با او.

-او مادری است برای فرزندان، مادری متعهد، درس‌آموز، مهربان، صمیمی و همراه، القاء‌کننده ایمان و اخلاق.

-او عضوی است برای جامعه، خود اهل احسان و خیر، اهل هدایت و ارشاد، تمام‌کننده حجت.

-و او الگوی مکتب محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است.

مرزهای درس‌آموزی

برای آن کس که طالب راه فاطمه علیها السلام و در مسیر سعادت آموزشی است، مرزهای مطالعه و تحقیق در حیاتش از این دیدها و جنبه‌ها می‌توانند مفید باشند.

۱- فاطمه علیهاالسلام در رابطه با خود :تلاش او در خدانشناسی، خودسازی، پرورش ابعاد وجودی، حیات شخصی، رشد خود و ...

۲- فاطمه علیهاالسلام در رابطه با خدای خود در شناخت او از خدا در عبادت، اطاعت، تسلیم، استمداد، توکل، هدف و خشیت از خدا، امیدواری‌ها...

۳- فاطمه علیهاالسلام در رابطه با انسان‌ها :پدر، مادر، اعضای خانواده، همسر، فرزندان، خادمان، دوست، دشمن، مؤمن، کافر، مشرک، منافق و ...

علی (علیه‌السلام) او را یکی از دو رکن جهان اسلام معرفی کرد که رکن اول آن شخص پیامبر بود. و آن روز که فاطمه (علیهاالسلام) از دنیا رفت علی (علیه‌السلام) با تأثر و اندوه فرموده بود این همان رکن دومی بود که از دست رفت (هذا رکن الاخر)

۴- فاطمه علیهاالسلام در رابطه با دنیا :دنیا، ارزش آن، تلقی از آن، وظیفه‌اش در جهان، موضعگیری‌ها، نگرش‌ها. ...

۵- فاطمه علیهاالسلام در رابطه با پدیده‌های این جهان :از نعمت‌ها، آب و خاک، حیوان، حق، باطل و عوامل و موانع رشد، پدیده‌های مرئی و نامرئی. ...

۶- فاطمه علیهاالسلام در رابطه با واقعیت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، فقر و غنا و دیگر جنبه‌هایی که از آن می‌زاینند.

و در سایه این مطالعه و تحقیق راه‌ها روشن می‌شوند. و آنگاه عزم و اراده‌ای نیرومند لازم است تا حیات خود را بر پایه این شناخت‌ها استوار سازد. قدم در جای قدم او بگذارد خوشبختی و بدبختی را بر اساس این چارچوب‌ها تنظیم نماید.



فاطمه علیهاالسلام؛ سندیت حق

فاطمه علیهاالسلام سند حق است در برابر باطل، سند زن اسلامی در برابر غیر آن است. او سندی است برای معرفی زن و ارزش او و رشد او، و کمال او، و نمونه‌ای از یک همسر ایده‌آل، مادر ارزنده و عضوی برای جامعه، هادی زنان، الگوی نیایش، اسوه پوشش. ...

فاطمه (علیهاالسلام) را باید همیشه به یاد داشت و یاد او باید یاد عشق در ایمان باشد و یاد عاطفه و احساس توام با تعقل او در خور یاد کردن و ذکر است؛ بدان خاطر که تصویر آزادی او به ما درس آزادی می‌دهد، خاطره حق‌طلبیش به ما درس وظیفه و جرئت و شهامت می‌دهد و یا مبارزه‌اش در ما روح مبارزات حق‌طلبانه را احیاء می‌کند.

و هم او سند مظلومیت است، سند حق‌طلبی است. کبودی بدنش خط روشنی بر سیه روزی خصم است و ورم بازویش نشانه بدستیزی دشمن برای کوتاه کردن دست او از دامن حق و این خود یک سند است. اثر ضربه‌های تازیانه بر بدن، خطوط کبودی در آن پدید آوردند که هر کدام خطوط روشنی است بر بی‌منطقی دشمن.

فاطمه علیهاالسلام امروز در میان ما نیست ولی خاطره ناله‌های دردمندانه‌اش که به خاطر نجات امت و اصلاح شوؤن آنها بر می‌آمد هنوز در گوش‌ها طنین‌انداز است. و شهادت مظلومانه‌اش حاکی از مقاومت و خطابه جانانه‌اش پرچمی افروخته بر قلب تاریخ برای اعلام حق و قبر پنهانش اعلام نوعی ناامنی پدید آمده از غاصبان حق .

سلام بر فاطمه (علیهاالسلام) و پدرش، سلام بر فاطمه (علیهاالسلام) و همسرش، سلام بر فاطمه (علیهاالسلام) و فرزندان و ذریه‌اش.

پی‌نوشت:

۱ - ذخائر العقبی، ص ۵۶.

منبع: کتاب در مکتب فاطمه علیهاالسلام، دکتر علی قائمی، فصل ۲۸.